



## Explaining and Evaluating Types of Liberal Incompatibilism in Solving the Conflict between Human Freedom and the Determined World

Zeynab Abolghasemi Dehaghani\*

Mohammad Saeedi Mehr\*\*

Received: 27/08/2017 | Accepted: 16/03/2018

### Abstract

Liberal incompatibilism considers the causal determinism governing all events of the world (including free actions) as a serious obstacle to human freedom. Thus, they seek a way of protecting human freedom with one of these three different approaches: 1. Non-causal account or simple indeterminism, 2. Event causal account or indeterministic causation of events. 3. Agent causation account. In this research, we study the views of the main theorists of these three ideas and criticize them. Then, according to the definition of free will, based on two principles: possible alternatives at the moment of choice and active control of the agent in relation to the act, we will show that it only the agent causation account that succeeds in providing a sensible picture of man's freedom in action; because the other two views have neglected the role of the agent in controlling and directing action, and have reduced voluntary action merely to an accidental and random event. Agent causation refutes the monopoly of the role of causality for phenomena and claims that the agent is not only passive and affected by events occurring around him but essentially and with his causal powers is at least the creational cause for one of the mental events that initiates the process of realizing the external act. Therefore, despite causal determination, he is truly free, and the direction and control of his actions is in his hands.

### Keywords:

incompatibilism, free will, agent causation, indeterministic event causality, simple indeterminism.

\* PhD in Islamic Philosophy, Tarbiat Modarres University (corresponding author) | zeynababolghasemi@gmail.com

\*\* Professor, Philosophy Department, Tarbiat Modarres University | saeedi@modares.ac.



## تبیین و ارزیابی انواع ناسازگارباوری اختیارگرا در حل تعارض بین اختیار انسان و جهان جبری

زینب ابوالقاسمی دهاقانی\*

محمد سعیدی مهر\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۰۵ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۵

### چکیده

ناسازگارباوری اختیارگرا، تعیین علی حاکم بر تمام رخدادهای عالم را مانعی جدی بر سر راه اختیار فاعل می‌داند. از این رو، ذیل سه رویکرد نامتعیّن‌انگاری صرف، علیّت نامتعیّن رخدادها و علیّت فاعل به دنبال راهی جهت تأمین اختیار انسان است. در پژوهش حاضر به دیدگاه نظریه‌پردازان اصلی این سه حوزه اشاره کرده و به تبیین و نقد آن‌ها می‌پردازیم. سپس با اتکا به تعریف «اختیار» بر مبنای دو اصل «وجود جایگزین‌های محتمل در لحظه انتخاب» و «کنترل فعالانه فاعل نسبت به فعل»؛ نشان خواهیم داد که تنها «علیّت فاعل»، موفق به ارائه تصویری معقول از فاعلیت اختیاری انسان می‌شود؛ زیرا دیدگاه‌های رقیب از نقش فاعل در کنترل و هدایت فعل اختیاری غفلت کرده و فعل اختیاری را صرفاً به فعلی اتفاقی و تصادفی تقلیل می‌دهند. «علیّت فاعل» با انکار انحصار نقش علیّت برای رخدادها، مدعی است که آدمی در اراده کردن تنها متأثر از رخدادهای پیرامون خود نیست، بلکه بالذات و با قوای علی‌ای که دارد، حداقل علت ایجاد یکی از رخدادهای نفسانی‌ای می‌شود که آغازگر فرایند تحقق فعل خارجی است. از این رو، به‌رغم تعیین علی او حقیقتاً مختار است و هدایت و کنترل فعلش را در دست دارد.

### کلیدواژه‌ها

ناسازگارباوری، اختیار، علیّت فاعل، علیّت نامتعیّن رخدادها، نامتعیّن‌انگاری صرف.

\* دکتری فلسفه اسلامی از دانشگاه تربیت مدرس | zeynababolghasemi@gmail.com

\*\* استاد گروه فلسفه دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) | saeedi@modares.ac.ir

## مقدمه

طبق اصل علیت و فروع آن از جمله تعیین علی و معلولی؛<sup>۱</sup> هر رخدادی قطعیت وجود خود و تمام ویژگی‌های وجودی‌اش را از علل متقدم کسب می‌کند و پیوندی ناگسستنی میان گذشته، حال و آینده موجودات برقرار است. به صورتی که جهان و تمام اجزای ریز و درشتش در هر لحظه تنها و تنها همان است که هست و نمی‌تواند به صورت دیگری باشد (Ravizza & Fischer, 1995, p. 244).

در این جهان جبری، انسان نه تنها در تغییرات بدنی‌اش تحت کنترل جریان‌های طبیعی است، بلکه در افکار، احساسات و تصمیم‌گیری‌ها نیز این گونه است و در هر لحظه‌ای توسط رخدادهای گذشته و قوانین طبیعت متعین شده که چگونه باید باشد و چه انجام دهد. از همین رو، تعیین‌انگاری علی تهدیدی جدی برای اختیار و مسئولیت اخلاقی فاعل به حساب می‌آید و هیچ فیلسوفی نمی‌تواند بدون پاسخ به این پرسش که آیا جمع میانشان را ممکن می‌داند یا خیر؛ به بحث از اختیار انسان و حوزه‌های مرتبط به آن مانند فلسفه اخلاق، ورود کند.

با توجه به پاسخ مثبت یا منفی به این پرسش، دو رویکرد سنتی در حوزه اختیار و مسئولیت اخلاقی پدید آمده که در ادبیات فیلسوفان معاصر به ناسازگاری‌های<sup>۲</sup> و سازگاری‌های<sup>۳</sup> معروف شده‌اند. همان‌طور که از نام این نظریه‌ها برمی‌آید، ناسازگاری‌هاوران به ناسازگاری اختیار با جهان متعین و سازگاری‌هاوران به سازگاری آن‌دو معتقدند، اما این تقسیم‌بندی کلی در درون خود اقسام دیگری را هم جای می‌دهد. ناسازگاری‌هاوری به دو گونه اصلی اختیارگرایی<sup>۴</sup> و ناسازگاری‌هاوری تمام‌عیار<sup>۵</sup> تقسیم می‌شود: ناسازگاری‌هاورانی که معتقد باشند اختیار تحقق دارد و تعیین علی رفتار انسان توسط رخدادهای پیشین صحیح نیست، «اختیارگرا» و ناسازگاری‌هاورانی که معتقدند ناسازگاری‌هاوری درست است و تعیین علی تمام رخدادهای عالم جایی برای فعل اختیاری باقی نمی‌گذارد، «ناسازگاری‌هاوران تمام‌عیار» نامیده می‌شوند.

ناسازگاری‌هاوران اختیارگرا نیز با نظر به شرط اصلی «متعین نشدن فعل اختیاری توسط علیت

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد اصل تعیین (ضرورت) علی و رابطه آن با اختیار می‌توان به مقاله رضا پرنجکار با عنوان «نقد و بررسی دیدگاه ابن سینا و اسپینوزا درباره ضرورت علیت»؛ مراجعه کرد. این مقاله در شماره سوم از سال دوازدهم همین مجله به چاپ رسیده است.

2. incompatibilism

3. compatibilism

4. libertarianism

5. hard incompatibilism

رخداد‌های مقدم بر آن» به بسط دیدگاه‌هایی پرداخته‌اند که در سه دسته جای می‌گیرند: دسته اول شامل نظریه‌های غیرعلّی<sup>۱</sup> می‌شود که نوعی نامتعیّن‌انگاری صرف است و بر اساس آن عمل اختیاری، نه توسط علّتی بیرونی ایجاد می‌شود و نه از یک ساختار علّی درونی برخوردار است. دسته دوم نظریه علّیت رخدادی<sup>۲</sup> را شامل می‌شود که طبق آن فعل انسان به عنوان یک رخداد از منبع و منشأ رخدادی سرچشمه می‌گیرد، اما این علّت رخدادی فعل را متعیّن نمی‌کند. دسته سوم به نظریه علّیت فاعل<sup>۳</sup> معروف است که علّیت و تعین ناشی از آن را در مورد افعال اختیاری انسان می‌پذیرد، اما علّیت و تعینی ناشی از ذات فاعل و نه تعین علّی عواملی خارج از ذات فاعل (Capes, 2017 & Clarke).

مباحث آینده ما از این میان به دیدگاه ناسازگارباوران اختیارگرایی معطوف است که جهت تامین اختیار انسان، از جهان جبری عبور کرده‌اند. به این منظور ابتدا معنای مورد نظرمان از اختیار را طرح می‌کنیم و سپس با فرض صحت ادعای اختیارگرایان به سراغ هر یک از این سه دیدگاه رفته و نشان خواهیم داد که تنها «علّیت فاعل» را می‌توان به عنوان پاسخی مقبول از ناسازگارباوران پذیرفت. البته، باید متذکر شویم نوشتار حاضر در پی بررسی همه‌جانبه و دفاع از نظریه علّیت فاعل نبوده و تنها مدّعی است - از میان پاسخ‌های سه‌گانه اختیارگرایان - دیدگاه علّیت فاعل راجح است و دست کم با مشکلات بنیادین دو نظریه دیگر مواجه نیست.

## ۱. معنای اختیار

در مباحث معاصر دو معنا از اختیار می‌توان یافت. در معنای نخست که عمده توجه متون فلسفی بر آن است، اختیار یعنی توانایی فاعل بر انجام فعل به طریقی غیر از آن چه که در واقع، انجام می‌شود (Fisher, 1995, pp. 4 & 99). لازمه چنین توانایی‌ای آن است که فاعل به جایگزین‌های احتمالی برای انجام فعل دسترسی داشته باشد تا بتواند در مورد شیوه‌های مختلف و حتی گاه ناسازگار با هم از انجام فعل به تأمل پردازد و در نهایت، روش «الف» را پی بگیرد و یا روش «ب» را (Inwagen, 1989, p. 220). نقطه اتکای این تعریف، «باز بودن آینده»<sup>۴</sup> به روی فاعل و «وجود جایگزین‌های احتمالی»

---

1. noncausal theories  
2. event-causal theories  
3. gent-causal theories  
4. openness of the future

است، اما با تأمل بیشتر ملاحظه می‌شود که اگر امکانات متعددی در دسترس فاعل باشد، ولی او نتواند به طرد گزینه‌های مخالف با مقاصد و اهداف خود پردازد و تنها یکی را برگزیند، باز هم نمی‌توان گفت که او مختار است؛ زیرا در هر حال فاعل این توانایی را ندارد که از میان راه‌های متفاوتی که پیش روی اوست یکی را انتخاب کند.

بر همین اساس، هرچند تعریف نخست در ابتدا تعریف مقبولی برای اختیار محسوب می‌شد، اما رفته رفته اعتبار خود را نزد فلاسفه بسیاری از دست داد. به صورتی که آن را تنها وصف ممکن<sup>۱</sup> از شرایط جهانی دانستند که فاعل در آن قدرت انتخاب‌گری از میان جایگزین‌های مختلف را دارد. سپس توسط گروه کوچک‌تر اما در حال رشدی از فلاسفه، اختیار فاعل به کنترل فعالانه<sup>۲</sup> فاعل در گزینش‌گری، تفسیر شد و این که هیچ چیزی منفک از فاعل برای تحقق انتخاب او کافی نباشد (O'Connor, 2002, pp. 208-209).

اما به نظر می‌رسد میان معانی پیش‌گفته از اختیار، شکاف پیوندناپذیری وجود ندارد، یعنی هنگامی خودمان را مختار می‌دانیم که جایگزین احتمالی برای انجام فعل در مقابلمان گشوده باشد و این خودمان باشیم که با سنجش و بررسی، یکی از آن‌ها را انتخاب می‌کنیم (Kane, 2002, pp. 5-6). به بیان دیگر، هرچند بحث اصلی در اختیار، «توانایی کنترل فعل» است و این که فعل حداقل در بخشی تنها به فاعل متکی باشد و نه عواملی خارج از حیطه توان اثرگذاری او، اما این توانایی در شرایطی فاعل را ملزم به پاسخ‌گویی در مقابل افعالش می‌کند که به نوعی امکان گزینش‌گری هم وجود داشته باشد؛ زیرا اگر در لحظه انتخاب تنها یک راه باز باشد، فاعل خواهی نخواهی (چه کنترل فعل به دستش باشد و چه نباشد) به همان طریق عمل می‌کند.

## ۲. دیدگاه غیر علی یا نامتعین‌انگاری صرف<sup>۳</sup>

### ۲.۱. تبیین دیدگاه غیر علی

طبق این دیدگاه رفتار انسان آنجایی اختیاری است که در نهایت، معلول چیزی نباشد. بنا بر این حتی

1. contingent feature

2. active control

۳. از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان این دیدگاه می‌توان ژینت (Carl Ginet)، مک کان (Hugh McCann) گوتز (Stewart Goetz)،

مک کال (Storrs McCall)، پالمر (David Palmer) و پینک (Thomas Pink) را نام برد.

اگر وضعیت‌های درونی فاعل (خواست‌ها، باورها، انتخاب‌ها و گرایش‌ها) را به نوعی علت مؤثر در رفتارش بدانیم، دیگر آن وضعیت‌ها معلول علت دیگری نیستند.

کارل ژینت (از مهم‌ترین نظریه‌پردازان نامتعیّن‌انگاری صرف) با استمداد از مفاهیم «فعل مرکب»<sup>۱</sup> و «فعل پایه»<sup>۲</sup> که فعلی فاقد علت است؛ طرح پیچیده‌ای برای دیدگاه خود ارائه می‌کند. طبق نظریه او هر فعل انسان یا فعل ذهنی پایه است (اراده و انتخاب) و یا فعل مرکب خارجی (اعمال و حرکات بدنی) که در این حالت نیز در مرکز آن فعالیت ذهنی پایه‌ای قرار دارد که علت آغازگر فعل مرکب است. ژینت در توضیح افعال پایه بر این تأکید دارد که هرچند به نظر می‌رسد آن‌ها بدون هیچ واسطه‌ای توسط فاعل تولید شده باشند، اما این گونه نیست و لزومی ندارد انتخاب فاعل را به صورتی معرفی کنیم که به نوعی علت نیاز داشته باشیم؛ زیرا هنگامی فعل «الف»، فعل اختیاری فاعل خواهد بود که فاعل این را تبدیل به موردی کند که «الف» اتفاق افتد، اما نه با علت شدن برای آن، بلکه صرفاً با انجام دادن آن<sup>۳</sup>.

ژینت فعل پایه اراده کردن را رخداد ذهنی‌ای می‌داند که هیچ عامل علی‌ای نمی‌تواند مشخص کند آیا این رخداد ذهنی نامتعیّن یا رخداد نامتعیّن دیگری به جای آن، در زمان خاصی رخ دهد. البته، به همراه این رخداد ذهنی یک احساس انجام فعل<sup>۴</sup> در فاعل حاصل می‌شود، اما این احساس صرفاً توسط یک محرک مغزی بیرونی و در غیاب وجود هر نوع خواستی از سوی فاعل و به نوعی مشارکت علی او، ایجاد شده است (Ginet, 1990, p. 4).

ژینت در توضیح این که چگونه افعال پایه را فعل فاعل می‌داند به‌رغم این که آن‌ها رخدادهایی نامتعیّن و فاقد علت‌اند؛ به این بیان اکتفا می‌کند که صرف انجام فعل توسط فاعل، موجب متعیّن شدن فعل می‌شود و انجام دادن فعل توسط فاعل نیز تنها به این است که آن فعل اتفاق افتد (Ginet, 1990, p. 127). ژینت توضیح نمی‌دهد که منظورش از متعیّن شدن فعل پایه آن هم به صرف انجامش توسط فاعل چیست؟ آیا او معنایی علی را در نظر گرفته؟ با توجه به مجموعه نظریه‌های او پاسخ منفی است. ژینت فاعل را علت موجد فعل پایه نمی‌داند.

دیدگاه ژینت به ما نمی‌گوید کدام یک از تصمیم‌های انسان اختیاری به حساب می‌آید و چه چیز

1. complex action

2. basic action

3. Make it a case that occurs not by causing it but by simple performing it.

4. actish feel

لازم است تا فعلی اختیاری باشد. به نظر می‌رسد که او هیچ شرط ایجابی‌ای را برای تأمین اختیار فاعل در نظر نگرفته است و تنها به این دو شرط سلبی برای فعل اختیاری بسنده می‌کند: (۱) نباید به صورت علیّی متعین شده باشد؛ (۲) انجام آن توسط فاعل ناشی از یک اجبارگریزناپذیر نباشد (ibid., p. 121).

## ۲.۲. نقد دیدگاه غیر علیّی

نامتعیّن‌انگاری صرف یا همان نگاه غیر علیّی به افعال اختیاری حداقل با سه مشکل اساسی مواجه است. مشکل نخست در تبیین کنترل فاعل بر فعل فاقد علت است و این که چگونه می‌توان فعلی را به‌رغم اعتقاد به این که علتی ندارد؛ به انسان منتسب کرد (O'Connor, 1996, p. 4). تولید فعل توسط فاعل و یا مجموعه‌ای از رخدادهای مرتبط به فاعل (مثلاً تمایلات خاصّی که فاعل دارد)؛ نوعی از کنترل فعل توسط فاعل است و با انکار آن در مورد افعال و حرکات انسان تنها می‌توان گفت که صرفاً رخدادهایی تصادفی هستند که هیچ علتی ندارند و در حیطه کنترل هیچ کس قرار نمی‌گیرند. طبیعتاً آن چه مطلقاً معلول نیست و علیّی ندارد؛ معلول من نیز نمی‌تواند باشد و به هیچ وجه نمی‌توانم پاسخ دهم چرا این فعل اتفاق افتاد و فعل بعدی چه خواهد بود (Taylor, 1983, p. 45, 47).

مشکل دوم نامانوس بودن تحلیلی است که از فرایند تصمیم‌گیری اختیاری ارائه می‌شود. این تحلیل حتی با نظریه‌ها مادی‌گرایانه نیز چندان سازگار نیست که ما هیچ علیّیتی را نپذیریم. معلوم نیست که اگر فاعل هیچ کنترلی بر روند امور ندارد ما چرا و با چه معیاری باید فعل را به فاعل نسبت دهیم و او را در مقابلش پاسخ گو و مسئول بدانیم؟

مشکل سوم در بحث از معقولیت فعل اختیاری و یا به عبارتی قابلیت ارائه تبیین عقلانی از چرایی انجام یک فعل اختیاری است. توضیح آن که هر فاعلی در معرض محرک‌های درونی و بیرونی متفاوتی است که مجموعه آن‌ها در سنجش و بررسی او و «دلیلی»<sup>۱</sup> که در نهایت، بر اساس آن اقدام به انجام فعل می‌کند؛ تأثیرگذار است، اما اگر آن چه را رخ می‌دهد صرفاً امری تصادفی و شانسی بدانیم که انسان بر مبنای وجود دلایلی مسبب ایجاد آن نشده است، فعل اختیاری صرفاً فعلی بی‌هدف از فاعلی نامعلوم خواهد بود و هیچ دلیل موجهی برای انتسابش به انسان و معقول دانستنش، نداریم (Griffith, 2005, p. 383; Clarke, 2002, p. 358, 361).

### ۳. دیدگاه علیت نامتعیّن رخدادها<sup>۱</sup>

#### ۳.۱. تبیین دیدگاه علیت نامتعیّن رخدادها

عموم ناسازگارباوران در راستای حمایت از اختیار انسان بر این باورند که رابطه علی میان رخدادها لزوماً متعیّن نیست و در نتیجه رخدادی خاص همواره علت رخداد مشخص دیگری نمی‌شود، بلکه اگر رخدادی داشته باشیم، این احتمال وجود دارد که به دنبالش رخداد دیگری را داشته باشیم و البته، این احتمال هم هست که رخداد دوم به وجود نیاید (Clarke, 2003, p. 384).

بر همین اساس نیز هرچند مجموعه دلایل فاعل (خواسته‌ها، باورها، تمایلات درونی و شرایط محیطی خاصی که فاعل در آن قرار دارد) علت انتخاب خاص او می‌شوند، اما این انتخاب متعیّن نیست و محتمل است که فاعل با داشتن همین مجموعه مشخص از شرایط درونی و بیرونی، یکی دیگر از گزینه‌های پیش‌رویش را انتخاب کند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود «نامتعیّن‌انگاری علی» – برخلاف دیدگاه‌های غیر علی – رفتار فاعل را ناشی از علت و تحت کنترل شرایط درونی و بیرونی فاعل می‌داند، ولی در تلاش است با طرح این نکته که جریان رخدادها، فاعل را به سمت انجام کارهای متفاوتی می‌کشد که هر یک از آن‌ها دقیقاً به همان شرایط پیشین پیوند می‌خورد؛ امکان‌گزينش از میان راه‌های گوناگون که شرط دیگر تحقق اختیار فاعل است را تأمین کند.

یکی از بهترین و کامل‌ترین نظریه‌ها در «علیت نامتعیّن رخدادها» توسط کین (O'Connor, 2002, p. 208-209) مطرح شده است. او مانند هر ناسازگارباوری معتقد است که فاعل مسئولیت افعالی را به عهده دارد که توسط رخدادها پیشین متعیّن نشده باشند و حداقل بخشی از آن به مشارکت علی فاعل حاصل شود. کین تأکید می‌کند که فاعل نسبت به برخی از افعالی نفسانی<sup>۲</sup> علیتی نامتعیّن‌کننده دارد و به تعبیر او افعال نفسانی، افعالی «خود صورت داده»<sup>۳</sup> هستند.

کین فعل نفسانی نامتعینی را که فاعل انجام می‌دهد؛ «تلاش در جهت اراده کردن»<sup>۴</sup> می‌داند. توضیح آن که در هر موقعیت مفروضی، فاعل در معرض مجموعه‌ای از محرک‌هایی قرار دارد که

۱. می‌توان از اکسترم (Laura Ekstrom)، مل (Alfred Mele)، دنت (Daniel Dennett) و کین (Robert Kane) به‌عنوان اصلی‌ترین نظریه‌پردازان این دیدگاه نام برد.

2. mental action  
3. self-forming action  
4. effort of will



گاه کاملاً با هم ناهمسو بوده و هر یک به فعلی ختم می‌شود که با دیگری متفاوت است. چنین اختلافِ جهتی بین محرک‌ها، فاعل را به تلاش و می‌دارد تا مشخص کند که چه هدف<sup>۱</sup> و غایتی<sup>۲</sup> دارد و دلایلی که بیشتر خواهان است بر پایه آن‌ها فعلش را انجام دهد؛ کدام است و در نتیجه به کدام محرک باید پاسخ مثبت دهد. این تلاش و به عبارتی سنجش و بررسی فاعل موجب می‌شود که او در مقابل وسوسه‌های مختلف ایستاده و تنها یکی را که با توجه به الزامات و محظورات اخلاقی خود حکم به اخلاقی بودنش کرده است، انتخاب کند.

اساسی‌ترین مشکلی که در اینجا با آن مواجهیم این است که آن چه در نهایت، به عنوان بهترین طریق انجام فعل انتخاب می‌شود، توسط تلاش فاعل متعین نشده و یکی از چند انتخاب محتمل است. از این رو، به‌رغم همه دلایل مؤید باز هم امکان دارد فعل به طریق دیگری انجام شود و این عدم تعین به این معناست که ما با فرایندی اتفاقی و تصادفی مواجهیم، اما در چنین شرایطی چطور می‌توان گفت که انتخاب واقعاً تحت کنترل فاعل و متکی بر او خواهد بود؟ آیا درست‌تر نیست که بگوئیم تصمیم فاعل در واقع، ناشی از فرایندی اتفاقی و تصادفی است؟ (O'Connor, 2000, pp. 384-385; O'Connor, 1996, p. 13-16).

کین برای پاسخ‌گویی به این اشکال، «شبکه خود»<sup>۳</sup> را طرح می‌کند. شبکه‌ای مشتمل بر ارتباطات عصبی‌ای<sup>۴</sup> که نظام انگیزشی و تحریکی فاعل را به نمایش در می‌آورد. یعنی مجموعه برنامه‌ها، خیالات، آرزوها، آرمان‌ها و کمالات مطلوبش را. از نظر کین به هنگام هر انتخابی یکی از دلایل رقیب توسط شبکه خود به سمت قلّه رانده می‌شود تا آن که فاعل بر اساس دلیل «الف» انتخاب کند، به جای آن که بر اساس دلیل «ب» انتخاب کند.

شبکه خود که عملکردش به فعالیت اجزای سازنده او قابل تحلیل است، از تعداد بیشماری تصمیمات پیشین و تأثیرات عصبی متناظر با آن‌ها و همین‌طور عوامل ارثی و محیطی‌ای که فاعل را احاطه کرده‌اند، ساخته می‌شود و همواره در حال گسترش و پیچیده‌تر شدن است. به این صورت که هر انتخاب فاعل و رخداد عصبی متناظر با آن به صورت فعالیت نوسانی خاصی در آمده و به شبکه‌ای که از آن برآمده است، می‌پیوندد. کین با طرح شبکه خود به این نتیجه می‌رسد که

---

1. purpose  
2. end  
3. self network  
4. neural connection

انتخاب‌ها، حقیقتاً فعل فاعل و تولید اوست؛ زیرا این شبکه در یک بیان روان‌شناسانه چیزی غیر از خود فاعل نیست. بنابراین، من شخصاً فاعل نتیجه‌ای هستم که به دنبال دلایل می‌آید و نه آن که نتیجه‌ای اتفاقی و شانسی باشد (O'Connor, 1996, p. 17).

### ۳.۲. نقد دیدگاه علیت نامتعین رخدادها

حامیان «علیت نامتعین رخدادها» همانند سازگارباوران، علت موجد فعل اختیاری را مجموعه‌ای از رخدادهای بیرونی و درونی فاعل می‌دانند، ولی با این تفاوت که آن‌ها علیتی نامتعین دارند. هرچند طرح این «نامتعین بودن علیت رخدادها» فضا را برای تحقق جایگزین‌های متفاوت باز می‌کند، اما این تنها یکی از شروط اختیار است و فاعل در کنار آن باید از قوای کنترل‌گر نیز برخوردار باشد تا بتواند بر یکی از گزینه‌هایی که با توجه به رخدادهای پیشین در دسترس او قرار دارد؛ تأثیر گذار باشد (Clarke, 1996, p. 27). اگر آن چه انجام می‌شود، صرفاً حاصل جریانات نامتعین رخدادهایی باشد که تحت کنترل فاعل نیستند، باز هم شرایط لازم برای اختیار وجود ندارد و ما نمی‌توانیم فاعل را در قبال کاری اخلاقاً مسئول بدانیم در حالی که مستقیم یا غیر مستقیم - از طریق تأثیر علی بر روی برخی از رخدادهای مقدم بر فعل - از نقشی سازنده برخوردار نبوده است (Clarke, 2003, pp. 387-388).

خلاصه آن که اختیار به همان اندازه که با تعین‌انگاری ناسازگار است با این دیدگاه هم سازگار نیست؛ زیرا تا زمانی که مجموعه عوامل مولد فعل را تنها رخدادها بدانیم - چه این رخدادها تعیناً به فعل بیانجامند و چه به صورت نامتعین - فاعل نقش سازنده‌ای در کنترل و هدایت فعل نخواهد داشت و این اصلی‌ترین چالش حامیان علیت نامتعین رخدادهاست که نشان دهند چگونه رخدادی که تحقق‌اش توسط رخدادهای پیشین متعین نشده و فاعل نیز جزء مجموعه علل ایجادکننده آن نیست؛ صرفاً یک رخداد تصادفی نخواهد بود؟

درباره دیدگاه کین نیز باید گفت این دیدگاه حداقل با دو مشکل مواجه است: نخست آن که فاعل در صورتی مسئول انتخاب‌هایش خواهد بود که مسئول ساختار شبکه خود نیز باشد، یعنی مسئول تک تک انتخاب‌هایی که به نحوی در ساخته شدن شبکه فعلی مشارکت داشته‌اند، اما نمی‌توان تک تک انتخاب‌های پیشین را معلول شبکه فعلی دانست؛ زیرا به هنگام انتخاب‌های پیشین، هنوز شبکه خود به صورت تکامل یافته فعلی وجود نداشته است.

گذشته از این، ما نمی‌توانیم شبکه خود را با خودمان به عنوان فاعل یکی بدانیم و انتخاب‌های نامتعیّن شبکه را فعل خود بدانیم؛ زیرا آن تمایلی که در نهایت، شبکه خود را به سمت انتخاب خاصی هدایت می‌کند، تابع مستقیم مجموعه‌ای است که هر یک از افراد آن تمایلات خاصی در علت شدن نسبت به رخدادهای دیگر را نیز دارند و طبق نظر کین، این تمایلات - در سطح خرد - توسط قوانینی ثابت هدایت می‌شود و نه توسط فاعل؛ زیرا در سطح خرد هنوز شبکه‌ای شکل نگرفته تا فاعلیت انسان نسبت به آن مطرح باشد (O'Connor, 1996, p. 18).

#### ۴. علیت فاعل<sup>۲</sup>

##### ۴.۱. تبیین دیدگاه علیت فاعل

دیدگاه «علیت فاعل» با نظر به مؤلفه مغفول در رویکردهای پیش گفته، به تفسیر افعال اختیاری می‌پردازد، یعنی می‌کوشد توضیح دهد که چگونه تحقق هر یک از گزینه‌های محتمل، متکی به فاعل خواهد بود و به چه مجوزی ادعا می‌کنیم که فعل حقیقتاً منتسب به فاعل و تحت کنترل اوست و از این رو، اخلاقاً در قبال آن مسئول است (O'Connor, 1993, p. 500).

«علیت فاعل» که با عنوان «نظریه فاعلیت»<sup>۳</sup> نیز شناخته می‌شود، فاعل را جوهری<sup>۴</sup> مستقل از رخدادهای می‌داند که نسبت به برخی از مقدمات تحقق فعل، نقش علی دارد و در معنای دقیق کلمه «علت‌العلل»<sup>۵</sup> و یا به تعبیر چیزم، «محرک نامتحرک نخستین» آنهاست و معلول هیچ چیز و هیچ کس دیگری در علیتش برای آن رخداد نیست (Chisholm, 1986, p. 33).

این رویکرد با تصویر انسان از خود، سازگارتر است، یعنی موجودی فاعل و نه موجودی منفعل که تنها فعل بر روی آن انجام می‌شود و رفتارش صرفاً پیامد علی مجموعه شرایطی است که او در ساخته شدن آن‌ها دخیل نیست. علت در اینجا رخدادی نیست که درون من باشد، مثلاً یکی از

1. micro level

۲. از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان دیدگاه علیت فاعل می‌توان راید (Thomas Reid)، چیزم (Roderick Chisholm)، کلارک (Randolph Clarke)، دناگن (Alan Donagan)، اکانر (Timothy O'Connor)، راو (William Rowe) و تیلور (Richard Taylor) را نام برد.

3. the agency theory

4. substance

5. uncaused cause

حالات نفسانی من (باورها، انگیزه‌ها، خواسته‌ها و...) یا رخدادی که از بیرون من را به سمت رفتار خاصی سوق دهد، بلکه خود من به عنوان جوهری خاص، علت شده و در نقش موجودی «خود متحرک»، آغازگر زنجیره‌ای از علل می‌شوم که در نهایت، به فعل خاصی می‌انجامد (Taylor, 1983, pp. 48-49).

«علیت فاعل» هم اختیار انسان را می‌پذیرد و هم تعیین علی را، اما نمی‌توان آن را دیدگاه سازگار باورانه‌ای دانست؛ زیرا اساس سازگارباوری بر مبنای پذیرش این تصویر از عالم است که هر آن چه در هر لحظه‌ای از لحظات عالم مُحقق می‌شود (از جمله افعال اختیاری)، توسط رخدادهای گذشته و قوانین حاکم بر طبیعت کاملاً متعین شده‌اند و هیچ کس توان تأثیرگذاری و ایجاد تغییر در آن را ندارد و انسان - تنها در معنایی خاص که سازگار با چنین جهان جبری‌ای باشد - مختار است، اما «علیت فاعل» در مقابل، معتقد است که با حذف نقش علی انسان در انجام فعل، رخدادهای پیرامون فاعل - چه درونی باشند و چه بیرونی و گذشته عالم - نمی‌توانند نشان دهند که فاعل در لحظه‌ای خاص چه رفتاری را نشان می‌دهد.

حامیان «علیت فاعل» در توضیح چگونگی تحقق فعل اختیاری بر این اجماع دارند که در مرحله نخست از این فرایند رخدادی نفسانی واقع شده که پیامد جبری اوضاع بیرونی و یا احوال نفسانی و درونی فاعل نیست، بلکه معلول بلاواسطه فاعل بوده و به توان علی و کنترل‌گری او ایجاد می‌شود (O'Connor, 2002, p. 348; O'Connor, 2000a, p. 44; Bishop, 2003, p. 235). حال این که در چه فرایندی فعل نخستین در نهایت، به اراده فاعل و حرکات بدنی می‌انجامد، چندان مورد توجه نیست و تنها می‌توان گفت که فعل اختصاصی فاعل در ایجاد تغییرات مغزی و جریانات عصبی‌ای که به حرکات خاصی در بدن می‌انجامد، مشارکت علی دارد، اما انسان - به‌رغم نقشی که در این تغییرات دارد - تقریباً هیچ چیز در مورد آن نمی‌داند (Chisholm, 1986, pp. 29-30).

#### ۱.۱.۴. تمایز علیت فاعل از علیت رخدادهای

ما در گفتاری عادی معمولاً ذوات را به عنوان علت معرفی می‌کنیم. برای مثال، می‌گوییم «آجر، پنجره را شکست»، اما در مباحث متافیزیک معاصر در باب علیت ادعا می‌شود که عبارت‌هایی از

این دست، خطاست و معمولاً علت وضعیتی<sup>۱</sup> خاص ذات یا تغییر در آن وضعیت است و همچنین معلول نیز وضعیتی ذات و یا تغییر در آن وضعیت است. بنابر این، در واقع، ما علتی رخدادی نسبت به رخداد دیگر را در قالب علت ذات نسبت به رخداد دیگر تعبیر می‌کنیم و صحیح‌تر است که بگوییم حقیقتاً خود آجر در اینجا علتی ندارد، بلکه رخداد «برخورد کردن آجر با شیشه»، علت رخداد دیگری یعنی همان «شکستن شیشه» شده است (Taylor, 1983, pp. 81-82).

اما افزون بر عباراتی از قبیل آن چه گذشت، در مکالمات روزانه خود بارها و بسیار از عبارتی چون «بهرام غذایش را خورد» نیز استفاده می‌کنیم؛ حال آیا باید فعل بهرام را که عبارت است از «خوردن غذایش»، صرفاً با رجوع به وضعیتی خاصی که فاعل دارد و یا تغییرات وضعیتی‌ای که او متأثر از آنهاست و بدون در نظر گرفتن نقشی واقعی و غیر قابل تحلیل به دیگر رخدادها برای بهرام، توضیح داد؟ این پرسش اصلی‌ایست که «علت فاعل» بر اساس پاسخ منفی به آن شکل گرفته است. دیدگاه علت فاعل بر این باور است که میان علت فاعل و علت رخدادها، تمایزی واقعی وجود دارد. از این رو، وقتی می‌گوییم «بهرام غذایش را خورد»، افزون بر طرح رخداد «خورده شدن غذا»، این را هم بیان می‌کنیم که بهرام سبب شده که این رخداد تحقق یابد و نمی‌توان این جمله را بدون آن که معنایش را از دست دهد، در قالب جملاتی بیان کنیم که در آنها تنها رخدادها و وضعیتی‌های خاص فاعل، علت باشند و خود بهرام سرچشمه هیچ فعالیتی نباشد.

اکثر در توضیح نسبت علت فاعل و علت رخدادها، «ایجاد کردن» را به عنوان معنای قابل تعمیم و جنس مشترک این دو نوع علت معرفی می‌کند و معتقد است فصل ممیز آنها در فرایند متفاوتی است که در ایجاد معلول طی می‌کنند؛ به این صورت که علت رخدادی تعیناً معلولی مشخص را به دنبال خواهد داشت، اما علت فاعلی با توجه به ویژگی‌های وجودی‌ای که دارد، کنترلی نامتعین بر افعالش دارد که به او ضرورتاً توان انتخاب‌گری می‌دهد، اما این ضرورت انتخاب‌گر بودن به معنای تعین انتخاب‌گزینۀ خاصی توسط فاعل نیست (O'Connor, 2000, pp. 113-114 ; Donagan, 1987, p. 16).

#### ۲.۱.۴. کنترل فاعل و تأثیر رخدادهای درونی بر آن

حامیان علت فاعل این را بدفهمی نقش رخدادهای بیرونی و درونی می‌دانند که فعل اختیاری

انسان را تنها با نظر به آن‌ها تبیین کنیم و در نتیجه، انسان را صرفاً موجودی منفعل بدانیم که فعل بر روی آن انجام می‌شود؛ زیرا تنها در صورتی که انسان مقهور رخدادهای درونی و بیرونی نباشد و با توان کنترل‌گری خود نقش آن‌ها را در منجر شدن به فعل خاص تکمیل کند، می‌توان او را اخلاقاً مسئول رفتارش دانست و مورد سرزنش یا تشویق قرار داد (Reid, 1983, pp. 608-612).

اما این به معنای کاملاً مسئول بودن فاعل در مقابل همهٔ جهات انتخاب و کنترلی بی‌قید و بند نیست و ما باید دو عامل را به صورت جداگانه مورد توجه قرار دهیم. عامل نخست محیط پیرامون فاعل است که به سنگینی بر انتخاب‌های او تأثیر می‌گذارد و در هر موقعیتی طیف محدودی از گزینه‌ها را در اختیار فاعل قرار می‌دهد که تا اندازه‌ای نسبت به گزینه‌های فاعل دیگری که در شرایطی مشابه قرار دارد؛ متفاوت است. عامل دوم کنترل مستقیم فاعل است که بر مبنای دلایلی که محیط به او داده، شکل می‌گیرد.

تأثیر این دو عامل موجب می‌شود مسئولیت اخلاقی فاعل تنها در فضایی محدودی باشد و نتوان او را جهت توجه نکردن و عدم انتخاب از میان گزینه‌هایی که کاملاً خارج از حیطهٔ تجربیات اوست، مسئول دانست و همچنین نتوان او را به خاطر عدم توجه به گزینه‌هایی که هیچ‌گاه نتوانسته‌اند او را قویاً به خود جذب کنند، شماتت کرد. علیت فاعل می‌پذیرد که انسان‌ها به‌رغم این که از توانایی انتخاب و تأثیرگذاری علی مشابهی برخوردارند - بدون آن که مسئولیتی متوجه آن‌ها باشد - فاقد حساسیت مشابه نسبت به کمالات انسانی هستند. از این‌رو، چیزی به نام مسئولیت کامل انسان در مقابل انتخاب‌هایش وجود ندارد و اصلاً چنین چیزی محال است؛ زیرا نیازمند بی‌طرفی کامل نسبت به تمامی گزینه‌های ممکن و گشوده بودن همهٔ جهات انجام فعل، در مقابل فاعل است؛ چیزی که در عالم واقع، تحقق ندارد (Clarke, 1996, p. 22; O'Connor, 1995, p. 173; O'Connor, 2003, p. 224).

### نتیجه‌گیری

به همان میزان که تعیین‌انگاری علی تهدید جدی‌ای برای فعل اختیاری تحت کنترل فاعل به حساب می‌آید، نامتعیّن‌انگاری با دو نگاه «عدم علیت» و «علیت نامتعیّن رخدادها» نیز اختیار را تهدید کرده و نمی‌تواند به‌درستی ترسیم‌کنندهٔ جهانی باشند که فاعل در آن فعل خود را کنترل می‌کند؛ زیرا در جهانی فاقد ساختار علی و یا با ساختار علی نامتعیّن، تحقق هر رخدادی صرفاً اتفاقی و

تصادفی است و به همان میزان که فعل متعین شده توسط رخدادها تحت کنترل فاعل نخواهد بود، رخداد تصادفی نیز حقیقتاً منتسب به فاعل و تحت کنترل او نیست.

در این میان تنها «علیت فاعل» است که برخلاف دو دیدگاه □ رقیب از قاعده کلی علیت خارج نمی‌شود و می‌پذیرد که هر رخدادی علتی دارد و این علل متعین‌کننده هستند، اما نکته این است که علت متعین‌کننده انتخاب فاعل، منحصر در رخدادهاى خاصى که از درون یا بیرون به فاعل تحمیل شده باشند، نیست، بلکه خود ذات فاعل، یعنی جوهر در زمان و مکانی که هم ویژگی‌های نفسانی دارد و هم ویژگی‌های مادی و فیزیکی، جزء علل تأثیرگذار است.

بنابر این، «علیت فاعل» با تأکید بر این که راه حل مشکل اختیار و مسئولیت اخلاقی فاعل در به رسمیت شناختن فاعل به عنوان نوعی متمایز از علیت رخدادهاست، دیدگاهی به مراتب معقول‌تر از دیگر ناسازگارباوران اختیارگرا ارائه می‌کند. دیدگاهی که دست کم فعل اختیاری را به رخداد تصادفی تقلیل نداده و می‌تواند نحوه کنترل حقیقی فاعل در جهان متعین را تبیین کند.

## فهرست منابع

- برنجکار، رضا. (۱۳۹۰). نقد و بررسی دیدگاه ابن‌سینا و اسپینوزا درباره ضرورت علیت. پژوهش‌های فلسفی-کلامی. ۵۸-۳۷. (۴۷). ۵۸-۳۷.

## References

- Bishop, J. (2003). Prospects for a Naturalist Libertarianism: O'Connor's Persons and Causes. *Philosophy and Phenomenological Research*, 66 (1), 228-243.
- Chisholm, R. M. (1986). Human Freedom and The Self. G. Watson (ed. ). *Free Will*, 26-37. New York: Oxford University Press.
- Clarke, R. (1996). Agent Causation and Event Causation in the Production of Free Action. *Philosophical Topics*. 24 (2), 19-48.
- Clarke, R. (2002). Libertarian Views: Critical Survey of Noncausal and Event-Causal Accounts of Free Agency. Kane, R. (ed. ). *The Oxford Handbook of Free Will*, 358-387. New York: Oxford university press.
- Clarke, R. (2003). Freedom of the will. Stephen P. Stich, Ted A. Warfield (ed. ). *The Blackwell Guide to Philosophy of Mind*, 369-404. UK: Blackwell publishing Ltd.
- Clarke, R. and Capes J. Incompatibilist (Nondeterministic) theories of Free Will. <https://plato.stanford.edu>. 2017.
- Donagan, A. (1987). Choice, the Essential Element in human action. London and New York: Routledge & Kegan Paul.
- Fischer, J. M. (1995). *the metaphysic of free will*. Oxford: Blackwell.
- Ginet, C. (1990). *On Action*. Cambridge: Cambridge university press.
- Griffith, M. E. (2005). Does Free Will Remain a Mystery? A Response to Van Inwagen. *Philosophical Studies: An International Journal for Philosophy in the Analytic Tradition*. 124, (3), 261-269.
- Inwagen, P. V. (1989). When is the Will Free?. *Philosophical Perspectives*. 3, 399-422.
- Kane, R. (2002). Introduction The Contours of Contemporary Free Will Debates. Robert Kane (ed. ). *Handbook of Free Will*, 5-44. New York: Oxford university press.
- O'Connor, T. (1993). Indeterminism And Free Agency: Three Recent Views. *philosophy And Phenomenological Research*. 53 (3), 499-526.
- O'Connor, T. (1995). Agent Causation. T. O'Connor (Ed. ). *Agents, Causes And Events*, 173-200. Oxford: Oxford university press.
- O'Connor, T. (1996). Why Agent Causation? *Philosophical Topics*, 24 (2), 143-158.
- O'Connor, T. (2000a). Causality, mind, and free will. *Philosophical Perspective, Action and Freedom*. 14, 105-117.
- O'Connor, T. (2000). *Persons and Causes, The Metaphysics of Free Will*. New York: Oxford university press.
- O'Connor, T. (2002). Libertarian Views: Dualist and Agent-Causal Theories. Kane



R. (Ed. ). *The Oxford Handbook of Free Will*, 339-357. New York: Oxford university press.

- O'Connor, Timothy. (2003). Review: Understanding Free Will: Might We Double-Think?. *Philosophy and Phenomenological Research*. 67 (1), 222-229.
- Reid, T. (1983). *The Works Of Thomas Reid*, Hamilton w. Hildesheim: Olms.
- Taylor, R. (1983). *Metaphysics* (ed. 3). New Jersey: Englewood Cliffs.

#### **References in Arabic / Persian**

- Berenjkar, R. (2011). The Necessity of Causality from Avicenna's and Spinoza's Viewpoints. *The Journal of Philosophical - Theological Research*, 12 (47), 37-58.

